

یادداشت‌های سفر شیراز

- ۲ -

مزار سعدی :

قبلا از دوستان شنیده بودم که صفای مزار حافظ از آن سعدی بیش است ولی بنظر بنده هردو را منظره ای جذاب و دلکش است و وجه ترجیحی نیست . سعدیه در چند کیلومتری شهرست ، آرام تراست ، واز ازدحام خلق برکنارتر . چه ساعت ها که در آن فضای روحانی ، در ساحل آن رودخانه بی آب ، در دامنه تپه‌های اطراف ، دور از هیاهوی اجتماع گذراندم و در عوالمی که خبر باز دادن از آن دشوارست سیرها کردم و لذت ها بردم .

ساختمان آرامگاه را برخی از دوستان ادب که عمارت قدیمی آن را دیده‌اند در مقام مقایسه نمی‌پسندند و معتقدند عمارت قدیم آن که باهتمام کریم خان زند بر آورده شده بوده است بهتر از بنای فعلی بوده است . من در طرز ساختمان و معماری آن اظهار نظر نمیتوانم کرد اما سخت متأثرم که باینکه هنوز بیش از چند سال از عمر این بنا نمی‌گذرد چرا باید آجرهای گنبد فرو ریزد و صحن آن خراب شود ، و بالاخره چرا در تعمیر آن اهتمام نمی‌شود !

در داخل بقعه و همچنین در سردر بعضی از مدخل‌ها جای بجای اشعار شیخ را بمناسبت انتخاب کرده‌اند و بکاشی‌های آبی نویسانده‌اند . در نظره اول سلیقه‌ای که در انتخاب اشعار و نصب کاشی‌ها بکار رفته توجه بیننده را جلب می‌کند اما متأسفانه در همین ابیات معدود اغلاط و اشتباهاتی مشاهده می‌شود که اینگونه بی‌دقتی‌ها در پیشگاه خردمندان خرده بین که از اطراف و اکناف جهان زیارت شیخ با اشتیاق تمام می‌شتابند بهیچ روی معفو نیست . برای نمونه چند مورد را یاد میکنم :

وجه صحیح :

مثال عمر سر بر کرده شمی است
که کوتاه باز می‌گردد دمام

عبارت کتیبه :

مثال عمر سر بر کرده شمی است
که کوتاه باز می‌باشد دمام

گل فرزند آدم خشت کردند
نمی خسبد دل فرزند آدم

گل فرزند آدم خشت کردند
نمی خسبد دل فرزند آدم



نه نیشی میزند دوران کیتی
که آنرا تا قیامت هست مرهم

به نیشی میزند دوران کیتی
که آنرا تا قیامت نیست مرهم



بسی بر نیاید که خاکش خورد
دگر باره بادش بعالم برود

بسی بر نیاید که خاکش بخورد
دگر باره بادش بعالم برود



نگاه دار زبان تا بدوزخت نبرد
که از زبان بتراند جهان زبانی نیست

نگاه دار زبان تا بدوزخت نبرد
که از زبان بتراند جهان ریانی نیست

باری در این کتیبه ها اشتباهاتی ازین قبیل راه یافته که باید اصلاح شود، و همچنین در رسم خط دقت‌هایی که می‌باید نشده است.

ستونی هم در آرامگاه نصب کرده و بر آن بشکلف مطالبی نویسانده اند که وصله ناجوری است در آن مکان مقدس.

مدفن شوریده :

در گوشه‌ای از آرامگاه کتابخانه‌ای کوچک است که همواره در آن بسته بود. مدفن شوریده شاعر معروف در همین کتابخانه است.

دربان آرامگاه :

در یکی از روزها که بزیارت شیخ سعدی رفته بودم خانواده اروپائی (یا آمریکائی) با اخلاص تمام آرامگاه شیخ را بازدید می کردند. بدربان بقعه اصرارها کردند که اجازت فرماید از چشمه‌ای که بمق چندمتر از زیر صحن می گذرد و شیخ در آن چشمه وضو می گرفته است نیز دیدن کنند. بالاخره هم دربان کلید مدخل پایاب را نداد و آنها نومید باز گشتند. متأثر شدم که اولیای فرهنگ چرا برای خدمتگزاری این بقعه مقدس راهنمائی زائرین شخصی را که شور و ذوقی باید داشته باشد انتخاب نمی کنند؟ از این گونه سؤالها می گذرم.

یک بیت مناسب :

آقای اسمعیل اشرف عضو با ذوق انجمن ادبی شیراز می گفت : در نظر من از روز روشن تراست که شیخ سعدی این بیت را بر سر همین چشمه فرموده است :

بسیار سالها بسر خاک ما رود کاین آب چشمه آید و باد صبا رود
حافظیه :

میان جعفر آباد و مصلی عبیر آمیز می آید شمالش

باغ حافظیه روبروی باغ ملی که باغی وسیع و طربناک است واقع شده . فضائی که آرامگاه حافظ در وسط آن قرار یافته نسبت بیباغ در حدود شش هفت متر ارتفاع دارد و چون ارتفاع سطح این محوطه بعداً ایجاد شده سنگ روی قبر خواجه حافظ نیز بهمان نسبت چند متر برآمده است !

مرقد حافظ محصور نیست، بنائی است مدور که در اطراف آن ستونهایی برپاست و سقفی از آهن بر این ستونها استوارست . سنگ روی قبر از مرمرست و بعضی از اشعار خواجه: (ای دل غلام شاه جهان باش و شاه باش ... مرده وصل تو کو کز سر جان برخیزم ... بر سر تربت ما چون گذری همت خواه ... چراغ اهل معنی خواجه حافظ ...) بران کنده شده .

در اطراف آرامگاه همچنین در اطراف صحن و ایوان کتیبه‌هایی نصب است که غزل‌هایی مناسب از خواجه بر کاشی‌های آبی بخط مرحوم امیرالکتاب (نکث بسیار عالی) نوشته شده ، اما خواندن آن برای بسیاری از زائرین دشوارست و بهتر بود اگر مانند کتیبه‌هایی که از سابق مانده است با خط نستعلیق با کمال وضوح و روشنی نوشته می‌شد . شیرازیان بزار حافظ بیشتر شد و آمد میکنند تا بزار سعدی ، شاید بدین جهات که اولاً حافظه متصل بشهرست و آمد و رفت بدانجا آسان ، و ثانیاً حافظ را شیعه خالص میدانند و سعدی را سنی ؛ بهر وجه که تصور رود مردم شیراز را بحافظ علاقمندتر یافتم تا بسعدی .

مقبره حافظ بی‌در و دربند است، سابقاً محجره‌ای آهنین داشته که گویا آنرا بزار خواجه کرمانی برده‌اند . بنظر می‌آید که در اطراف قبر محجره‌ای لازم باشد چون اطفال بسیاری از زائرین را دیدم که بر سنگ قبر می‌نشینند و خطوط آن را خراب میکنند .

فال حافظ :

در نخستین زیارت که با کمال خضوع و خشوع بر آن مرقد مبارک بوسه‌ها دادم

با نیتی خالص تقالی زدم ، این غزل آمد که بسیار مناسب مینماید :

مزرع سبز فلک دیدم و داس مه نو یادم از کشته خویش آمد و هنگام درو
کتابخانه حافظیه :

در گوشه‌ای از بقعه کتابخانه‌ای هم بنام حافظ تأسیس شده اما جز چند جلد رمان و
 کتابهای مبتذل در آن نیست. چقدر بجا و مناسب است که وزارت فرهنگ این کتابخانه را
 برچیند یا بدان سروصورتی بخشد که موجب رسوائی در انظار دانشمندان جهان نباشد.
 نگاهبان حافظیه شخصی است با ذوق و مؤدب، زائرین را با مهربانی راهنمایی
 میکند و دیوان خواجهر را با اختیار خواهندگان می‌گذارد، گاهی هم خود شعر می‌گوید.

تحویل سال ۱۳۳۵

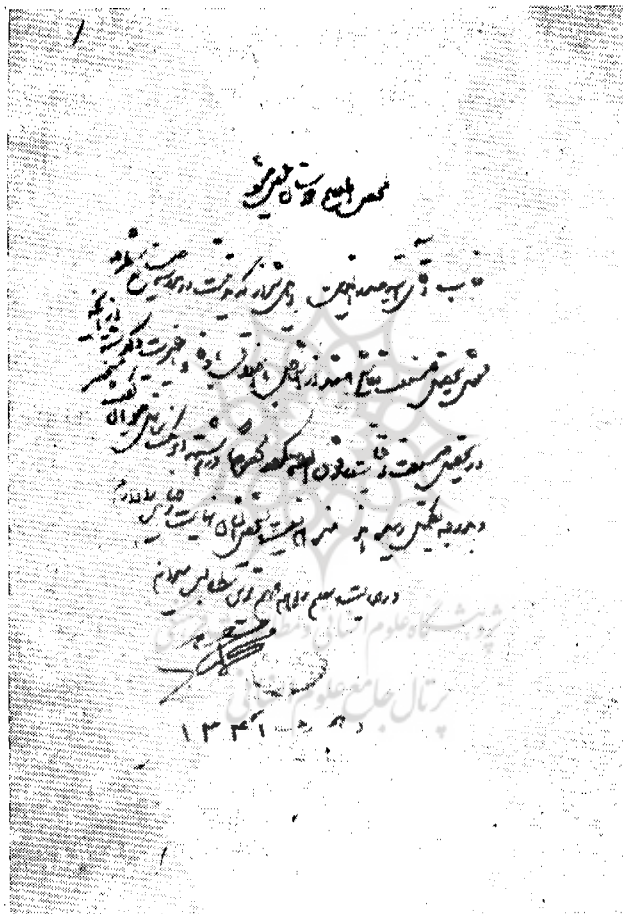
عصر سه‌شنبه آخر اسفند پس از زیارت شیخ سعدی زیارت خواجهر رفتم که
 هنگام تحویل سال در آن مقام مقدّس باشم. در همین موقع عده‌ای از بانوان و آقایان
 نیز در آمدند و در پیرامن قبر حافظ دایره‌وار بحال احترام ایستادند و پس از تحویل
 یکدیگر مبارکباد گفتند.

گفته شد که این عده از خاندان محترم گلشنی هستند و همه ساله این رسم نیک را
 معمول میدارند (خوشا بسعادشان). از شیرینی‌هایی که با خود آورده بودند بنده
 نیز سهمی یافتم.

هنرمند شایسته، یا، شایسته هنرمند :

در روزهای آخر اقامت، بر اهنمائی آقای استاد واجد بمنزل آقای صدر شایسته
 (محلّه سر باغ) برای مشاهده آثار هنری ایشان رفتیم. سه اوطاق منزل این استاد هنرمند
 نمایشگاه تابلو‌هایی است که خود ترسیم فرموده. غالب این تابلوها بقدری دلکش
 و جذاب و گیرنده است که شخص از تماشای آنها دل نمی‌کند. تصویر زنِ لخت، تصویر
 شیخ در روشنائی فانوس و مستخدمش، تصویر پیرمردی که پشته‌ای خار بردوش دارد
 و غیره و غیره یکی از یکی دیگر فریبنده‌تر و زیباتر است. چنانکه با آقای صدر شایسته
 عرض کردم لازم است نمایشگاهی از این آثار در محلی مناسب ترتیب دهد تا اهل ذوق
 و ادب که بشیر از مسافرت میکنند از چنین حظّ نظری نیز برخوردار شوند. سزاوارست
 اولیای محترم فرهنگ فارس بدین موضوع توجه خاص فرمایند و آقای شایسته را
 بتشکیل چنین نمایشگاهی مخصوصاً در ایام عید وادارند و برانگیزانند.

در میان تصویر های زیبا ، قطعه‌ای با فاب ممتاز بچشم می‌آید که از همه برتر و ارجمندترست و آن تصدیق نامه‌ای است بخط ومهر مرحوم کمال‌الملک رحمه‌الله علیه که گراور آن بنظر خوانندگان محترم ممبرسد. (درانتشار این گراور، هم باقای شایسته منت می‌نهم وهم بخوانندگان محلمه که خط ومهر هنرمند نامی ایران را ملاحظه می‌فرمایند).



این نکته را نیز عرض کنم که بهای کمترین تابلو های نفیس آقای شایسته از چند هزار تومان کمتر نیست. اگر محلمه یغما سرمایه مادی میداشت گراور یکی از آن قطعات را بارنگ‌های اصلی بنظر خوانندگان میرساند، ولی امید داریم که باین خدمت توفیق یابیم .
باقی دارد